

قیام یحیی بن زید (ع)

نویسنده کتاب در دو بخش با عناوین قیام یحیی بن زید (ع) و قیام خراسان به طرح مسائلی همچون مشخصات

یحیی...



تالیف : سیدابوفاضل رضوی اردکانی

چاپ و شمارگان : اول / 89 / 3000 نسخه

ناشر : شرکت چاپ و نشر بین‌الملل

نویسنده کتاب در دو بخش با عناوین قیام یحیی بن زید (ع) و قیام خراسان به طرح مسائلی همچون مشخصات یحیی، شخصیت یحیی، عزیمت به سمت کربلا، ورود به مدائن، حضور در ری و سرخس، دستگیری در بلخ، آزادی از زندان، نگین انگشتر، اعلان قیام، جنگ در ابرشهر، نبرد خونین جوزجان، سخنان یحیی در جبهه نبرد، شهادت یحیی، مزار یحیی، انتقام الهی، سقوط دولت بنی مروان در خبر غیبی امیرالمومنین (ع)، خونخواهی شهدای عاشورا در کلام امیرالمومنین (ع)، اوضاع اجتماعی کشور اسلامی پس از شهادت زید (ع)، ظهور ابومسلم خراسانی، نبرد سیه‌جامگان با لشکر عظیم مروان در عراق، آغاز خلافت عباسیان و نخستین سخنرانی سفاح، حمام خون، سوزاندن اجساد سران بنی‌امیه، استفاده ابزاری بنی‌عباس از عترت پیامبر و مظلومیت آنان، جنایات بی‌امیه در اشعار فضل بن عبدالرحمن هاشمی و همچنین سخنرانی ابومسلم خراسانی در مدینه می‌پردازد.

یحیی بن زید نخستین و ارزنده‌ترین فرزند زید (ع) بود. مادر او ریطه دختر ابی هاشم بن عبدالله بن محمد بن حنفیه بود. یحیی در 107 ه. ق متولد شد و قیام و شهادت او در 125 ه. ق اتفاق افتاد. روی این حساب، مدت عمر او هیجده سال می‌شود. بعضی سن او را بیست و هشت سال ذکر کرده‌اند. همسر او محبه دختر عمر بن علی بن الحسین؛ دختر عموی او بود. از یحیی فرزندی باقی نماند و این قول تقریباً بین مورخان و علمای انساب مورد اتفاق است؛ بنابراین نسل زید (ع) از سایر فرزندان او می‌باشد. یحیی بن زید جوانی لایق و کم نظیر بود. او بنا بر احساس مسئولیت و برای ادای وظیفه، مبارزه با دشمنان دین را در پیش گرفت. یحیی به طرف دو نهر کربلا حرکت می‌کند و از خوف عمال حکومت به طور مخفیانه حرکت می‌کند. از نظر نویسنده شاید علت حرکت او به سمت کربلاء تجدید عهد با جدش امام حسین (ع) بوده است؛ زیرا از زمان قیام توابعین تا عصر عباسی، قبر امام حسین (ع) میعادگاه انقلابیون و مجاهدان راه حق بود. آنان از تربت شهدای کربلا برای خود توشه برمی‌گرفتند و با سرور و سالار شهیدان عهد و پیمان می‌بستند که راه او را ادامه دهند.

یحیی در بلخ توسط یوسف بن عمر زندانی و پس از مدتی آزاد می‌شود. ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد وقتی یحیی از زندان آزاد شد و کند و زنجیر را از پایش برداشتند آهنگری زنجیرها را به مزایده گذاشت تا سرانجام آنها را به بیست هزار درهم فروخت و به خریداران پیشنهاد کرد که همگی در پرداخت پول شرکت کنند تا موضوع برای عمال حکومت فاش نشود. آنها راضی شدند و او زنجیر را تکه تکه کرد و شیعیان از آن بعنوان نگین انگشتر استفاده کردند و به آن تبرک می‌جستند. یحیی آزاد می‌شود. نهضت عاشورا و قیام زید راه و تکلیف را برای او و همفکرانش معلوم کرده بود و او خود را موظف می‌دید که در این راه گام بردارد. یحیی از بیهق که آن روز آخرین خطه خراسان بود، با هفتاد تن از یاران و شیعیان به سوی ابرشهر بازمی‌گردد و تعدادی مرکب خریده و به یاران خود می‌دهد.

قوای دشمن با تجهیزات کامل در مقابل افراد محدود یحیی قرار می‌گیرند. جنگ شدیدی بین آنها و یحیی در می‌گیرد قهرمان دلاور علوی با کمک یاران اندک خود، چنان عرصه را بر دشمن تنگ کرد که دشمن با تلفاتی سنگین عقب نشینی می‌کند. یحیی و یارانش پس از مدتی وارد جوزجان می‌شود. یحیی در گرماگرم نبرد، با سخنان پرشور و حماسی خود، مردم را به جهاد در راه خدا و مبارزه با ظلم و بیدارگری تحریک می‌کرد. یحیی با یاران اندک خود مردانه می‌جنگد و پس از سه شبانه‌روز و مقاومت و کشتار کثیری از افراد دشمن در روز سوم نبرد با زخم‌های فراوان با اصابت تیری به پیشانی‌اش همانند پدرش به شهادت می‌رسد. کسی که این تیر را به پیشانی یحیی زد فردی از طایفه عنزه بود که سلاح و زره او را هم به غنیمت برد. سر او از بدنش جدا شده و برای نصر بن یسار استاندار خراسان فرستاده می‌شود و نصر نیز سر یحیی را به نزد ولید بن زید؛ خلیفه اموی در شام فرستاد.

از دیدگاه ابوفاضل رضوی یحیی جوانی دلیر بود همیشه در صفوف مقدم جبهه، با دشمن رو به رو می‌شد و از انبوه دشمنان و تنهایی

خود ، ترس و وحشتي نداشت . شهادت يحيي عصر روز جمعه از سال 125 هـ . ق اتفاق افتاد . عمال بني اميه جسد او را در دروازه جوزجان به دار آویختند . قيام يحيي امتداد همان خط سرخ عاشورا و کوفه بود و اين بار فرزند ديگري از امام حسين (ع) و جمعي از شيعيان مظلوم ، مردانه در مقابل حکومت جائر اموي و مرواني ايستادند ، جنگيدند و شربت شهادت را نوشيدند . رضوي تاکيد مي کند که پس از شهادت زيد شيعيان در خراسان به جنبش افتادند و روز به روز اين حرکت سريع تر شد . آنان مرتب جنايات و بدکرداري هاي بني اميه را براي مردم يادآور مي شدند و ظلم هايي را که آنان به خاندان پیامبر (ص) مي کردند ، بيان مي نمودند تا آنجا که ديگر جايي نبود که از جنايات بني اميه بي خبر نباشد . پس از قيام و شهادت يحيي ، ابومسلم خراساني از موقعيت و زمينه مناسبی که يحيي و شيعيان براي برانداختن بني اميه به وجود آورده بودند ، استفاده کرد . ابومسلم با مستمسك قرار دادن احساسات شيعيان ، رهبري سیه جامگان خراسان را بر عهده مي گيرد .

نويسنده کتاب در ادامه نبرد سیه جامگان با لشکر عظيم مروان در عراق و همچنين آغاز خلافت عباسيان و نخستين سخنراني سفاح را مورد بررسي قرار مي دهد . رضوي از قول مسعودي مي نويسد که سفاح نخستين خليفه عباسي دستور نبش قبر سران اموي و سوزاندن اجساد آنان را صادر مي کند . در موضوعات پاياني کتاب فضل بن عبدالرحمن هاشمي بعنوان کسي که در اشعار حماسي خود ، که سند تاريخي مهمي به شمار مي رود اثر خون شهيدان کربلا و شهدي اهل بيت (ع) را در قيام سیه جامگان و عباسيان نشان مي دهد معرفي مي شود و اين مهم ترين عامل تهبيج مردم و بزرگ ترين بهانه انتقام از بني اميه و دشمنان خاندان پیامبر (ص) بيان مي شود .

"کجايند شهدي ما که بر آنان ستم کرديد و سپس با ظلم ، آنان را کشتيد ؟ هاشم و عمار ياسر و #171; ابا يقظان & raquo; و ابن بديل را به ما بازگردانيد . و ذوالشهادتين . و ديگر کشته شدگان را ، که در در کشتار آنان بزهکار بوديد ، برگردانيد . حجر بن عدي و يارانش را که شما ستمکارانه در قتلشان دست داشتيد ، پس بدهيد . باز گردانيد ابوعمير و رشيد و ميثم را و آناني را که از بني هاشم و در طف #171; کربلا & raquo; همراه حسين کشته شدند و خود حسين را بازگردانيد . کجايند عمر و بشر و ديگر شهيدان که با ايشان در صحرا افتاده بودند و به خاک سپرده نشدند ؟ عامر ، زهير ، عثمان ، حر ، پسر قين و گروهی را که در صفين کشته شدند ، به ما باز گردانيد . هاني و مسلم و ديگر جوانان برومند را باز پس دهيد . و زيد و ديگر کساني که از ما را که کشتيد ، همه را باز گردانيد . شما هرگز نمي توانيد آنان را به ما بازگردانيد و ما هم در مقابل چيز ديگري از شما نمي پذيريم . "

قيام يحيي به زيد (ع) نوشته سيد ابوفاضل رضوي اردکاني در چاپ اول خود با تيراژ 3000 نسخه و با قيمت 10000 ريال توسط شرکت چاپ و نشر بين الملل انتشار يافته است .